



نگاهی به دلایل و تبعات انفجار ساختمان‌ها بر اثر نشست گاز

# یک جرقه و یک عمر پشیمانی

فرنانز قلعه دار

دبیر گروه حوادث

حدود یک سالی می‌شد که سیاوش و بهار از هم جدا شده بودند. البته جدا شدنشان به همین سادگی‌ها نبود، ۶ سال قبل در پی یک عشق رؤیایی و پرشور و با وجود مخالفت شدید خانواده بهار آنها با هم ازدواج کرده بودند. پدرش می‌گفت سیاوش مرد زندگی نیست. او مسئولیت‌پذیر نیست. درسی سالگی نه کار درست و حساسی دارد و نه ادراهای برای پیدا کردن کار و به لطف پدر نژوتمندش فقط دنبال خوشگذرانی بوده و گرفتن پول از خانواده، وی چطور می‌خواهد یک زندگی را اداره کند؟ اما بهار پایش را در یک کفش کرده و گفته بود یا سیاوش یا هیچ‌کس. پدر و مادرش هم که این دختر تنها فرزند و همه زندگی‌شان بود به ناچار قبول کردند و آنها‌پای سفره عقد نشنند. یک سال بعد هم پرهام کوچولو قدم به این دنیا گذاشت و خانواده سه نفره‌شان کامل تر شد. در ظاهر همه چیز خوب بود. پدربزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها از هیچ تلاشی برای بهتر شدن زندگی بچه‌هایشان دریغ نمی‌کردند اما انگار ورود این نوزاد زیبا به جمع خانواده سرآغاز بروز مشکلات زیادی برای این زوج جوان و عاشق بود. بهار که حالا دیگر مادر شده بود عاشقی عجیب به این هدیه خدایی تمام وقت و انرژی خودش را صرف مراقبت از پسر کوچولو و زیبایش می‌کرد اما بر خلاف اوسیاوش فقط نام پدر را یکد می‌کشید و حاضر نبود به خاطر پسرش حتی ساعتی از تفریح و خوشگذرانی‌هایش کم کند. هرچه زمان بیشتری می‌گذشت بهار بیشتر به درستی حرف‌ها و نصیحت‌های پدر و مادرش پی می‌برد و رفتارهای خودخواهانه سیاوش را با چشم بازاری می‌دید.

طبق حکم دادگاه سیاوش می‌توانست آخر هفته‌ها پسرش را ببیند. هرچند بهار اصلاً تمایلی به این ملاقات‌ها نداشت چرا که می‌دانست سیاوش حتی برای همین ۲۴ ساعت هم نمی‌تواند به خوبی از پسرش مراقبت کند با این حال چاره‌ای نبود و او به ضمانت قول مادر شوهر سابقش این شرط را به سختی قبول کرد. مادر سیاوش قول داده بود که پرهام را به خانه خودش می‌برد و سیاوش نیز بچهارش را همانجا می‌بیند. یک سال این ماجرا ادامه داشت و تقریباً هر هفته

اما هنوز هم آنقدر عاشق همسرش بود که همچنان در مقابل حرف‌ها و انتقادهای خانواده‌اش از او دفاع می‌کرد. سه سال بعد از تولد پرهام، پدر سیاوش فوت کرد. مرگ پدربزرگ ضربه بزرگی بر زندگی این زوج جوان زد. سیاوش که تا آن روز همچنان خودش را زیر چتر حمایتی پدر می‌دید با نبود او همانند طفلی بی‌پناه و سرگردان درمانده شده بود. بعد از تقسیم ارث و میراث پدر بین او و خواهرانش درگیری‌ها بیشتر شد. زندگی بهار هم دستخوش ناملایمات شده بود. بهانه‌گیری‌ها و بدخلقی‌های سیاوش تمامی نداشت با کوچکترین بحث و درگیری خانه را ترک می‌کرد و چند روزی پیدایش نمی‌شد. همه این رفتارها باعث دلسردی بهار شده بود و البته آخرین ضربه بر پیکر این زندگی زمانی خورد که فهمید شوهرش معتاد شده است. نمی‌خواست خانواده‌اش این موضوع را بفهمند خیلی تلاش کرد تا مشکلاتش را به تنهایی حل کند اما نتوانست و بعد از چند ماه در حالی که پسرش در آستانه چهارمین سال تولدش بود، مهر طلاق بر شاسنامه آنها نقش بست و بهار برای همیشه با پسرش راهی خانه پدری شد.

سیاوش نگاه بی‌پرسی کرد و گفت: مراقبت نمی‌خواد پسرم خودش مرد شده مراقب خودش هست. بعدش هم می‌ریم کلی می‌گردیم و خوش می‌گذرونیم.

بهار با دلواپسی نگاه نگرانش را بدرقه راه آنها کرد و در حالی که ته دلش بدجوری شور می‌زد به خانه برگشت. تا عصر تقریباً ۶ بار با تلفن سیاوش تماس گرفت و از حال پسرش پرسید. آخرین بار وقتی گفت داریم برمی‌گردیم خانه دلشوره‌اش بیشتر شد. مادرش که متوجه بی‌تابی او شده بود، گفت: دخترم چرا آنقدر بی‌قراری اگر ناراحتی بهش زنگ بزن یگو بچه را برگرداند.

بهار گفت: نمی‌دونم چرا آنقدر دلم شور

می‌زنه سیاوش می‌خواد بچه رو ببره خونه خودش

نگرانم به وقت بچه تنها بر روی بالکن می‌دونی که خونه‌اش طبقه چهارم یا سوار آسانسور بشه. سیاوش که حال و حوصله ندره دنبال بهار چه بیفته میگم کنکه اتفاق بدی بیفته.

مادرش گفت: فکر بد نکن چیزی نمیشه ولی

اگه نگرانی زنگ بزن یا برو دنبالش.



انفجار

مادر بزرگ به سراغ نواش می‌آمد تا آخر هفته را کنار آنها باشد. آخرین بار صبح پنجشنبه سرد یکی از روزهای زمستان وقتی زنگ خانه به صدا درآمد، بهار متوجه شد سیاوش خودش به دنبال پرهام آمده است وقتی سراغ مادرش را گرفت، گفت: مامانم رفته شمال، من پرهام را می‌برم خونه خودم. زن جوان ته دلش لرزید خواست مخالفت کند که دید پسرش دست پدر را محکم گرفته و با چشمان زیبا و معصومش به او نگاه می‌کند. با تردید گفت: آخ تو که نمی‌تونی تنهایی مراقب

پرهام باشی. سیاوش نگاه بی‌پرسی کرد و گفت: مراقبت نمی‌خواد پسرم خودش مرد شده مراقب خودش هست. بعدش هم می‌ریم کلی می‌گردیم و خوش می‌گذرونیم.

بهار با دلواپسی نگاه نگرانش را بدرقه راه آنها کرد و در حالی که ته دلش بدجوری شور می‌زد به خانه برگشت. تا عصر تقریباً ۶ بار با تلفن سیاوش تماس گرفت و از حال پسرش پرسید. آخرین بار وقتی گفت داریم برمی‌گردیم خانه دلشوره‌اش بیشتر شد. مادرش که متوجه بی‌تابی او شده بود، گفت: دخترم چرا آنقدر بی‌قراری اگر ناراحتی بهش زنگ بزن یگو بچه را برگرداند.

بهار گفت: نمی‌دونم چرا آنقدر دلم شور

می‌زنه سیاوش می‌خواد بچه رو ببره خونه خودش

نگرانم به وقت بچه تنها بر روی بالکن می‌دونی که خونه‌اش طبقه چهارم یا سوار آسانسور بشه.

سیاوش که حال و حوصله ندره دنبال بهار چه بیفته میگم کنکه اتفاق بدی بیفته.

مادرش گفت: فکر بد نکن چیزی نمیشه ولی

اگه نگرانی زنگ بزن یا برو دنبالش.

■ دوشنبه ۹ اسفند ۱۴۰۰

■ سال بیست و هشتم

■ شماره ۷۸۶۱

■ انفجار گاز چه شهری و چه سیلندهای گاز تابع شرایط زمانی و مکانی نیست بلکه عمده‌ترین دلیل آن بی‌احتیاطی است.

■ همیشه در آغاز فصل سرما و همچنین در پایان این فصل حوادث انفجار افزایش می‌یابد.

■ فردی که خانه‌اش منفجر شده و خودش یا عزیزانش در این حادثه آسیب دیده‌اند اگر مقصر شناخته شوند باید خسارت همسایه‌ها و همه کسانی که در این ماجرا به اموال و جانشان آسیب وارد شده را نیز بپردازند که بی‌تردید این موضوع دردی مضاعف براو تحمیل می‌کند.

■ اگر مقصر شناخته شود باید خسارت همسایه‌ها و همه کسانی که در این ماجرا به اموال و جانشان آسیب وارد شده را نیز بپردازند که بی‌تردید این موضوع دردی مضاعف براو تحمیل می‌کند.

این انفجارها در اغلب شهرها و حتی روستاهای کشور خبر می‌دهد. هرچند برخی از این حوادث به مشکلات ایمنی وسایل و شیر آلات به کار رفته در ساختمان‌ها برمی‌گردد اما عمده دلیل آن بی‌توجهی و سهل‌انگاری ساکنان است که شاید با تعویض به موقع یک بست یا پیچ بتوانند از بروز فاجعه‌ای بزرگ جلوگیری کنند.

نگاهی به آمار این حوادث نشان می‌دهد، این پدیده همزمان با سرد شدن هوا شدت بیشتری می‌گیرد و هرچند آمار دقیقی از انفجار گاز ارائه نشده اما مروری بر اخبار حکایت از وقوع حدود یک صد انفجار در سال جاری دارد. همچنین نگاهی به آمار تلفات و کسانی که دچار سوختگی‌های شدید، نقص عضو و همچنین خسارت‌های جانی و مالی می‌شوند نشان می‌دهد که توجه به ایمنی امری ضروری است. سید جلال ملکی، کارشناس و سخنگوی سازمان آتش‌نشانی تهران درباره علل انفجارهای ناشی از گاز می‌گوید: انفجار

گاز چه شهری و چه سیلندرهای گاز تابع شرایط زمانی و مکانی نیست بلکه عمده‌ترین دلیل آن بی‌احتیاطی است. تصور کنید اعضای خانه هنگام خواب یا خروج از خانه فراموش می‌کنند اجاق گاز را خاموش کنند و بنابه دلایلی شعله اجاق نیز خاموش شده و گاز ساعت‌ها در فضای خانه منتشر و بعد با یک جرقه همه جا منفجر می‌شود. دلیل دیگر تغییر کاربری‌های غیرمجاز است یعنی افراد به خاطر تغییر کاربری محل، سرخود شروع به تغییر در لوله‌کشی گاز یاسیم‌کشی برق ساختمان کرده و همین موضوع به خاطر اینکه کار اساسی و دقیق انجام نشده خطر انفجارها را بالا می‌برد. از سوی دیگر فرسودگی وسایل و تجهیزات گازسوز و لوله و شیلنگ‌های گاز دلیل دیگر این حوادث است. بارها شده ما به خانه‌هایی مراجعه کرده و دیده‌ایم که شیلنگ اجاق گاز ۲۰ سال است تعویض نشده و پوسیده و نشستی دارد یا بست و پیچ‌های وسایل گازسوز به حدی فرسوده شده که یک تلفنگر آن را از هم می‌پاشد. از سونبی گاهی افراد ناآگاهانه اقدام به گرفتن اتشعابات غیرمجاز و نصب دوی یا سه راهی از یک شیر گاز کردند که همه این موارد منجر به حادثه می‌شود.

وی در ادامه می‌افزاید: متأسفانه برخی انفجارها مربوط به سیلندرهای گاز است از آنجا که در برخی نقاط کشور و حتی تهران هنوز لوله‌کشی گاز شهری انجام نشده همانند بازار تهران اغلب افراد از سیلندرهای گاز استفاده می‌کنند که همین موضوع یکی از دلایل انفجارهاست. همانند حادثه

مهبیی که چند روز قبل در یک پیتزافروشی در پاساژ تیرازه تهران رخ داد. این کارشناس آتش‌نشانی با بیان اینکه همیشه در دو مقطع از سال آمار انفجارها بالا می‌رود، می‌گوید: همیشه در آغاز فصل سرما و همچنین در پایان این فصل حوادث انفجار افزایش می‌یابد. دلیل اصلی هم این است که با شروع سرما وسایل گرمایشی مانند بخورگاز نصب می‌شود که کمی بی‌احتیاطی در نصب وسایل منجر به حادثه می‌شود و در هنگام جمع کردن بخاری‌ها

■ **آبره زمانی که انفجارها افزایش می‌یابد**
این کارشناس آتش‌نشانی با بیان اینکه همیشه در دو مقطع از سال آمار انفجارها بالا می‌رود، می‌گوید: همیشه در آغاز فصل سرما و همچنین در پایان این فصل حوادث انفجار افزایش می‌یابد. دلیل اصلی هم این است که با شروع سرما وسایل گرمایشی مانند بخورگاز نصب می‌شود که کمی بی‌احتیاطی در نصب وسایل منجر به حادثه می‌شود و در هنگام جمع کردن بخاری‌ها



بگیری شود. به نظر می‌رسد شهرداری تهران هم

اکنون فقط بر مراکز تجاری و پاساژها تمرکز کرده و وضعیت ایمنی در ساختمان‌های مسکونی بسته به

سازنده و مالک متفاوت است. این‌طور نیست؟

به هر حال استانداردهای ایمنی در واحدهای مسکونی مثل مراکز عمومی همچون سینماها و پاساژها نیست. اما این به معنای نادیده گرفتن استانداردهای موجود و تأییدیه‌های سازمان آتش‌نشانی و کنترل و نظارت شهرداری منطقه نیست. مجری‌ها اگر در اجرا هم کوتاهی کنند قطعاً در مرحله نظارت‌ها جلوی کار گرفته می‌شود. این ساختمان‌ها پیش از سال ۹۳ ساخته شده‌اند و اغلب بسیار قدیمی هستند و ۲۰-۴۰ سال قدمت دارند. در ساختمان‌های جدید ضوابط و مقررات ایمنی تا حدود زیادی اجرا می‌شود.

■ **یکی از نگرانی‌ها با توجه به هشدارهای بی‌دردی درباره زلزله تهران به صدور پروانه ساخت و ساز روی گسل‌های می‌شود. به هر حال این هم مصداق ایمنی**

جراست.
ما الان تراکم‌فروشی در تهران نداریم. براساس طرح تفصیلی تراکم مجاز برای پهنه‌های مختلف پیش‌بینی شده است و بیش از آن هم اجازه ساخت داده نمی‌شود. هم اکنون تراکم مجاز درحال اجراست.

رئیس کمیسیون شهرسازی شورای شهر تهران درباره وضعیت ایمنی ساختمان‌های تهران در گفت‌وگو با «ایران» هشدار داد

## آزیر خطر برای ۱۲۹ ساختمان پرخطر در تهران

حمیده امینی فرد

خبرنگار

بیش از دو هفته از آتش‌سوزی بازار بزرگ تهران می‌گذرد، از آن روز به بعد همچنان وضعیت تیمچه «حاجب الدوله» بدون تغییر باقی مانده است.

بخش ناصری بازار تهران که بر اثر یک سهل‌انگاری سوخت و حالا از آن همه زیبایی، دیوارهای خاکستری آلودی مانده که معلوم نیست کی دوباره سرپا شود. آتش‌سوزی بازار فعلاً بزرگ‌ترین حادثه‌ای است که ایمنی مراکز عمومی و ساختمان‌های تهران را گوشزد می‌کند.

خیلی‌هایمان حالا نگران حوادثی هستیم که در پس این ساختمان‌هاینا، این، پنهان مانده است، حتی اگر حادثه کلینیک «سینا مهر» شرعیتی تیرماه سال ۹۹ را هم فراموش کرده باشیم، قطعاً «پلاسکو قدیم» بر ایمان یادآور همان زخم پنهانی است که یک روز بالاخره سر باز می‌کند. تهران حالا نزدیک به ۲ هزار و ۶۰۰ ساختمان پرخطر دارد که در ۱۲۹ ساختمان وضعیت فوق بحرانی است. شورای شهر تهران حدود ۵ سال پیش مصوبه‌ای را در ۱۱ بند تصویب کرد که بر اساس آن قرار بود تا ایمنی شهر تهران ارتقا یابد. حالا باید پرسید که بعد از گذشت این سال‌ها، ساختمان‌های تهران تا چه اندازه مقاوم‌تر و ایمن‌تر شده‌اند؟ مهدی عباسی، رئیس کمیسیون شهرسازی و معماری شورای شهر تهران در گفت‌وگو با «ایران» از این سؤال پاسخ می‌دهد: گفت‌وگو ما با وزیر می‌شود.